

هشدار مهم به رئیس جمهور منتخب درباره یک تشابه سازی عجیب

می خواهند از پزشکian بنی صدر دیگر بسازند؟

پخت و پزهای خاص در اندرونی حکایت از آن دارد که برخی در سایه، در تلاش هستند که به نام گورباچف از پزشکian یک بنی صدر دیگر بسازند!

به گزارش سایت خبری پرسون، ماجرای گورباچف در خود عبرت های مهمی دارد، رهبر شوروی البته در میان مردم ایران نیز چهره ای شناخته شده است و گاه وبگاه شنیده می شود که برخی با اشاراتی به تعدادی از سیاستمداران، آنها را با گورباچف مقایسه می کنند، از جمله آنها در همان دوران بهار اصلاحات بود که برخی از چپ های رادیکال با تدارکاتچی خواندن خاتمی سعی داشتند از او یک گورباچف بسازند.

روزنامه حیات نو نزدیک به اصلاح طلبان رادیکال در همان ایام نوشته بود که خاتمی گورباچف خوبی است ولی یلتسین ندارد تا با ضربه ای نظام را خرد کند، در همان روزها آقا فرمودند که نه آقای خاتمی گورباچف است و نه جریان افراطی یلتسین. در آن روزها برخی اصلاح طلبان معتقد بودند که باید در نظام یک «بیگ بنگ» بزرگ روی دهد زیرا که جامعه ایران پس از جنگ با انفجار مطالبات و تقاضاهای فروخته ای مواجه شده که راه حل های حکومتی و راهکارهای مصلحتی نظیر بازنگری قانون اساسی و تأسیس مجمع تشخیص مصلحت و گفتمان سنتی از پس آن بر نمی آید.

ابراهیم اصغر زاده از جمله لیدرهای چپ ها در روزنامه همبستگی درباره گورباچفی کردن خاتمی نوشته بود: عصری که علی رغم فرصت های نو برای جهان، حامل تهدیدات و خطرات جدیدی هم برای پیروزمندان و هم تماشاچیان داشت. «دشمن هراسی» که بنیادی ترین اصل نظام معنایی جنگ سرد را تشکیل می داد، اینک آخرالزمان کمونیست ستیزی از یک سو و ضدیت با سرمایه داری از دیگر سو فرارسیده بود. کمونیست هراسی که سالیان متمادی محور اصلی امنیت جهان سرمایه داری و اصل راهنمای منافع ملی آمریکا بود، به سادگی رژیم چائوشسکو و دیوار برلین فرو می ریخت و بنا کردن نظم جدید بدون در دست داشتن چشم اندازی از دشمنان فرضی آن، طنزی بیش نبود.

بیان این دست مطالب از سوی اصلاح طلبان حکایت از آن داشت که برخی تمایل دارند که مبارزه با استعمار آمریکایی را شعاری پوچ خوانده و با تشابه سازی از خاتمی او را وادار به گرفتن تصمیماتی کنند که به اندازه گورباچف بزرگ باشد، اصلاح طلبان در آن زمان این دگردیسی را «چپ نو» نامیده بودند.

از جمله اثرات این معادل سازی های سیاسی راه اندازی گروه دوستی پارلمانی ایران و فرانسه بود که طی آن نشست های فراکسیون خط امام، مذاکرات و تریبون مجلس این فرصت را به اصلاح طلبان می داد تا با طرح مباحثی نظیر دوگانه «جمهوریت / اسلامیت»، «قانونگرایی / شخصی سازی»، «توسعه یافتگی / عقب ماندگی» و ارائه تعریف جدید از امنیت ملی که متضمن نوسازی اجتماعی و توسعه سیاسی و پذیرش تنوع و تکثر باشد، دست بزنند که به زعم خودشان همسو با تحولات بین المللی بود!

در حالی برخی در ایران آرزوی گورباچف سازی از خاتمی را داشتند که در همان زمان در میان مردم روسیه او به فردی منفور بدل شده بود زیرا اصلاحات رهبر حزب کمونیست باعث یک ترک بزرگ سیاسی و جغرافیایی گردیده بود. در آن زمان رهبر انقلاب تنها کسی بود که به داد خاتمی رسیده و او را از افتادن در یک دریای موج و غرق شدن در آن نجات داد.

رهبر انقلاب در شرح این شبیه سازی های عجیب درباره خاتمی فرمودند:

من واقعاً دریغ می آید که اسم خاتمی را با گورباچف مقایسه کنم؛ ولی آنها این مقایسه را کردند و صریحاً گفتند که در ایران هم گورباچفی به قدرت رسید! البته فراموش نکنیم که متأسفانه یک عده هم در داخل خوش شان آمد و این اهانت را نفهمیدند و آن توطئه ای را که پشت این اهانت هست، به طریق اولی نفهمیدند! به مغرضان و آنهایی که می فهمند چه دارد اتفاق می افتد و چه می خواهند پیش بیاورند، کاری ندارم؛ اما یک عده از آنهایی که مغرض هم نبودند، نفهمیدند که چه شد و دشمن چه می خواهد انجام دهد.

آقا در ادامه با بیان اشتباهات اصلاح طلبان رادیکال در تبدیل کردن رئیس جمهور وقت به گورباچف می فرمایند:

اینها در چند مورد اشتباه کردند؛ اشتباه اول شان این است که آقای خاتمی، گورباچف نیست. اشتباه دوم شان این است که اسلام، کمونیسم نیست. اشتباه سوم شان این است که نظام مردمی جمهوری اسلامی، نظام دیکتاتوری پرولتاریا نیست. اشتباه چهارم شان این است که ایران یکپارچه، شوروی متشکل از سرزمین های به هم سنجاقت شده نیست. اشتباه پنجم شان این است که نقش بی بدیل رهبری دینی و معنوی در ایران، شوخی نیست.

بررسی اسناد نشان می دهد که اولین بار بحث گورباچفی کردن خاتمی توسط ضدانقلاب در خارج از کشور طراحی شده و سر از روزنامه های زنجیره ای درآورده بود، ورود رهبر انقلاب برای نجات رئیس جمهور اصلاحات را باید از همین زاویه تحلیل کرد.

گورباچفی کردن پزشکian آن هم در روزهای که رئیس جمهور نه مراسم تحلیف و تنفیذ خود را برگزار کرده و نه کابینه اش آماده شده حکایت قابل توجهی دارد و نشان می دهد دست هایی مرموز در تلاش است که از همین ابتدای کار بحران پس از بحران را به دولت پزشکian تحمیل کرده و از او شخصیتی بسازد که نه سرنوشت گورباچف بلکه روزگار بنی صدر را پیدا کند!

نکته قابل توجه آن که گورباچفی کردن پزشکian مانند ساختن چنین لباسی برای خاتمی از بیرون کشور هدایت شده و توسط موساد عملیاتی شده است، نزدیک به ۱۰ روز قبل از آنکه یک روزنامه اصلاح طلب برای پزشکian مانیفست گورباچفی شدن بنویسد، شبکه اینترنتشال در یک برنامه تحلیلی به ترسیم خطوطی می پردازد که رئیس جمهور منتخب را تا سطح گورباچف پایین می آورد.

این شبکه تلویزیونی وابسته به صهیونیست‌ها گفته است که اگر پزشک‌های ایران به دنبال اصلاح سیاسی در ایران است باید مسئله‌هایی چون پرونده هسته‌ای و موشکی در بیرون و مواردی چون کشف حجاب در داخل را در کوتاه‌ترین زمان اصلاح کند تا خود را رئیس‌جمهوری متمایز نشان دهد، از نگاه این شبکه ضدایرانی، پزشک‌های ایران در صورت اجرای این اصلاحات ضربتی محبوبیت زیادی در میان کشورهای غربی به دست آورده و گورباچف ایران خواهد شد.

البته واضح است که خط گورباچفی کردن پزشک‌های ایران توسط شبکه اینترنت‌نشان به صورت قطعی از سوی سرویس‌های اطلاعاتی به این شبکه دیکته شده است، اما نکته مهم‌تر آن است که چه کسی این خط تحلیلی را به داخل آورده و هدفش از گورباچفی کردن پزشک‌های ایران چیست؟

پاسخ به این سؤال سخت نبوده اما بیانش نیاز به الزاماتی دارد، از جمله آنکه از نگاه مردم ایران گورباچف یک سیاستمدار موفق نیست که جریانی از درون آن‌ها را به نمایندگی از اصلاح‌طلب بخواهد از او الگوسازی کند، از نگاه مفسران سیاسی گورباچفی شدن پزشک‌های ایران به معنای آن است که برخی جریانات مرموز سیاسی درصدد هستند تا با برخی پخت‌وپزهای خاص در اندرونی از پزشک‌های ایران یک «دولت ناتمام» ساخته و به نام گورباچفی کردن پزشک‌های ایران از او یک بنی‌صدر بسازند که به کشورش خیانت نیز کرده است.

بی‌تردید میان گورباچفی شدن و بنی‌صدری کردن در سیاست ایران فاصله‌ای کمتر از یک تار مو است که عدم توجه به آن می‌تواند اثرات خطرناکی برای آینده کشور داشته باشد و ایران را از دوران «وعده صادق» به مرحله ماقبل تثبیت بازگرداند. تحمیل این هزینه سنگین به کشور از سوی جریاناتی صورت می‌گیرد که از سویی با خطوط نفوذی سرویس‌های اطلاعاتی دشمن همراه است و هم‌دست بوده و از سوی دیگر تلاش دارد تا با در سایه ماندن، گورباچفی کردن پزشک‌های ایران را به گردن یک جریان ساده‌لوح سیاسی در یک روزنامه دست‌چندم بیندازد.

به گزارش مشرق، این عملیات خطرناک با آشکار ساختن اطلاعات محرمانه یکی از مدیران امنیتی کشور در شبکه اینترنت‌نشان کلید خورده و قدم‌به‌قدم پیش رفته است، البته این تحرکات در سایه به‌زودی زیر تیغ آفتاب عیان شده و جریان نفوذ مجبور خواهد شد دست از این بازی خطرناک بکشد، تمامی این تحرکات ناپیدا میان سرویس جاسوسی دشمن و شبکه نفوذی آن، این روزها در رصد آشکار قرار دارد!